

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بیژن نیابتی

۰۹ اپریل ۲۰۱۵

یادداشت سیاسی : معامله لوزان ، توازن جدید

بالاخره بر کشاکش دوازده ساله ایالات متحده با رژیم جمهوری اسلامی بر سر "بهانه" اتومی نقطه پایانی گذاشته می شود. جمهوری اسلامی از "حق مسلم" خود به تمام و کمال درمی گذرد اما خطر عاجل تحریمهای کمرشکن و تهدید جنگ را موقتاً از سر راه برمی دارد. این سازش به معنی نجات رژیم شتر گاو پلنگ از خطر "رژیم چنج" برای یک دوره حداقل دو ساله هست. این یعنی کنارزده شدن قطعی گزینه تهاجم نظامی به ایران برای یک دوره حداقل دوساله. یعنی بورشدن نئوفاشیستهای تشنه بمباران کشورهای خاورمیانه همچون مک کین و جان بولتن. یعنی شکست دوباره "بازهای" علم کننده القاعده و داعش. مهمتر از همه ایزولاسیون بی سابقه دولت حرامزاده اسرائیل در میان حامیان و دوستان سنتی خود. اینها را البته باید به فال نیک گرفت.

تهدید و ضرورت "رژیم چنج" اما تا طرح "خاورمیانه بزرگ" به تمام و کمال با شکست قطعی مواجه نشده باشد ، به قوت خود باقی خواهد ماند و هیچ توافقی الا شکست این طرح، ولایت مطلقه فقیه را از خطر مذکور نخواهد رها کند. علی رغم هر توافقی ، بازگشت "بازها" به کاخ سفید این گزینه را بی تردید بار دیگر در دستور قرار خواهد داد، مگر آن که تا آزمون هدف "کبوترها" یعنی "براندازی نرم" و جایگزینی خیالی رژیم ولایت مطلقه با یک "لیبرال دمکراسی" معتدل و اهلی و اصلاح شده محقق شده باشد. یکی از اهداف معامله لوزان هم در کنه خود بالا بردن وزنه دولت اعتدال و به تبع آن باز شدن راه آلترناتیو اصلاحات در مقابل ولایت مطلقه خامنه ای است. یعنی سازش لوزان ، تغییر معادله قواء در داخل به نفع دولت اعتدال ! و علیه اصولگرایی افراطی که خواست "کبوترها" است را نیز نشانه گرفته است. این پیام را البته "مخاطبانش" خوب گرفته اند و بیش از همه آب از لب و لوجه "اصحاب مصالحه و مسامحه" را با جلا د سر از زیر گردانیده است. بیانیه ننگینی که توسط طیف اکثریتی و سبزه های پرتابی به خارجه در "حمایت از تنش زدائی" بلافاصله منتشر شده ، "دولت محترم" ! را مخاطب قرار داده و تبریک گویان توافق اولیه در لوزان را یک "موفقیت بزرگ" برای کشور دانسته و پیام می دهد :

"امیدواریم توفیق دولت محترم در تحقق مهمترین وعده خود در باره تنش زدائی در سیاست خارجی و مذاکرات هسته‌نی راه تحقق مواعید در عرصه داخلی را نیز هموار کند ، فضای سیاسی بر فضای امنیتی غلبه یابد ، زندان‌ها از فعالین سیاسی و مدنی تهی شود ، انتخابات ۹۴ با حضور گرایش‌های مختلف سیاسی و سطح مشارکتی بالاتر

برگزار گردد و همبستگی مستحکم تر ایرانیان پشتوانه موفقیت‌های بیشتر کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی گردد.

در حمایت از تنش‌زدایی در سیاست خارجی، سایت اکثریتی ایران امروز

اجرائی شدن توافق اولیه جبهه اصولگرائی را شکاف خواهد داد و اصولگرائی افراطی را ایزوله خواهد کرد اما بی‌هیچ تردیدی آبی برای "اصلاح طلبی پوشالی" چه در داخل و چه در خارج ایران گرم نخواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی اصلاح‌پذیر نبوده، نیست و نخواهد شد. هر نوع اصلاح واقعی در پله نخست از کانال خلع ید از ولایت مطلقه فقیه می‌گذرد و لاغیر. اگر قرار باشد که "فضای سیاسی بر فضای امنیتی غلبه یابد، زندان‌ها از فعالین سیاسی و مدنی تهی شود و انتخابات ۹۴ با حضور گرایش‌های مختلف سیاسی و سطح مشارکتی بالاتر برگزار گردد" آنوقت حتماً پیشاپیش رهبر معظم! و سپاه و بسیج و نیروی قدس و به قول امام راحل، چه و چه و کذا و کذا داوطلبانه از خیر قدرتی که با گذشتن از دریای خون حفظ کرده‌اند، گذشته‌اند و خود را فدای آزادی امت همیشه در صحنه و اصلاح طلبی پیزوری یک لا قبا کرده‌اند! اصحاب مصالحه بیهوده به بوی کباب تغییرات و "تحقق مواعید در عرصه داخلی" دل خوش کرده‌اند. بوئی که می‌آید بوی داغ کردن خر اصلاح طلبی پوشالی با آتش اعتدالی‌گریست.

و اما مهمترین پیام "سازش لوزان" را باید نه در رابطه با تغییرات در داخل که در ارتباط مستقیم با تغییرات تعادل قوای منطقه‌ئی جست و جو کرد. به هم خوردن موقت توازن ژئوپلیتیکی علیه بنیادگرائی یهودی- وهابی و به نفع بنیادگرائی شیعی از تبعات بلافصل "سازش لوزان" در کوتاه مدت است. این را هم اسرائیل و هم عربستان خوب گرفته‌اند.

سمت و سوی تجاوز نظامی اخیر حاکمیت قرون وسطانی و مزدور سعودی نیز بیش از آن که رو به یمن داشته باشد متوجه لوزان بوده است. یعنی این که مواجهه با تهدید بالقوه بشرووی حوثی‌ها در کشور مذکور بهانه است، اصل قضیه نگرانی البته بجای آل سعود از همین تغییر توازن ژئوپلیتیک و مواجهه با خطر بالفعل سازش لوزان بوده است و نه چیز دیگری! در این رابطه نگاهی به نوشته اخیر. در این رابطه نگاهی به نوشته اخیر عبدالرحمان الراشد نویسنده الشرق الوسط و العربیه که دیدگاه‌های عربستان را منعکس می‌کند، خالی از فایده نیست.

او می‌نویسد امروز در مقابل توافقنامه‌ای همچون معاهده کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل قرار داریم! و این که "دیگر وضعیت به گونه‌ای نیست که پیشتر آن را شناختیم". سپس نتیجه می‌گیرد:

"احتمال دیگر آن است که ایران بخواهد با برتری منطقه‌ئی، برنامه اتومی ناتمام خود را جبران کند. از این رو بخواهد توسعه یابد و دستاوردهایش را بر روی زمین افزایش دهد. شاهد آن بودیم که ایران با وجود مذاکرات صلح آمیز با غرب، جسارت کرد و جنگجو و اسلحه فرستاد و برای نخستین بار به طور مستقیم وارد جنگ‌های عربی-عربی شد؛ در کنار اسد جنگید و نیروهایش در عراق و یمن در حال جنگ هستند. این‌ها علاوه می‌شود بر تنش‌ها در لبنان. همه اینها نشان از آن دارد که بر تهاجمی بودن ایران افزوده شده و نه عکس آن.

در هر دو حالت کشورهای خلیجی راهی ندارند جز این که در سیاست‌های دفاعی خود که دهه‌های درازی بر اعتماد به اصل آیزنهاور در پایبندی به حمایت از خلیج استوار بود، بازنگری کنند. در سایه دولت بارک اوباما در ایالات متحده، واشنگتن به رغم سخنان رئیس‌جمهورش مبنی بر «پایبندی امریکا به دفاع از مرزهای پادشاهی عربی سعودی»، دیگر به این اصل پایبند نیست.

چگونه با ایران افسار گسیخته مقابله کنیم؟ العربیه، پنجم اپریل ۲۰۱۵

بمباران یمن حتماً گرهی از کار فرو بسته عربستان نخواهد گشود. برای تغییر رژیم و بر سر کار آوردن دوباره منصور هادی در یمن البته که ورود نیروی زمینی ضرورت دارد و گرنه یکسال هم که بمباران ادامه یابد، راه به جایی برده نخواهد شد. این نیز بی تردید همان مردابی است که آل سعود در صورت ورود به آن بزرگترین بلاهت تاریخ حیاتش را مرتکب خواهد شد. بدیهی است که یمن، بحرین دیگری نخواهد شد. هرکس که چنین بیندیشد تنها بر حماقت خود گواهی می دهد. در بحرین مخالفان شیعه محصور و غیر مسلح بودند. در یمن بیش از تعداد ساکنین آنجا سلاح در میان مردم و در همه جا پخش است. موقعیت کوهستانی یمن و تجربه جنگهای مسلحانه میان گروههای متخاصم در سالهای اخیر یمن را برای رژیم جعلی سعودی و ائتلاف همراهش تبدیل به افغانستان دیگری خواهد کرد. دولت سعودی در خانه شیشه ئی نشسته و سنگ پرانی می کند. آتش یمن در صورت شعله کشیدن پیش از همه همسایه شمالی را تهدید می کند.

اما تا آنجا که به معادلات داخل ایران باز می گردد، رژیم جمهوری اسلامی نه چرخش خواهد کرد و نه تثبیت خواهد شد. دریای خونی که میان این رژیم جنایتکار و مردم ایران فاصله انداخته است، هر پارو زن بی مقداری را که هوای نزدیک شدن به ساحل نجات در سر داشته باشد، به زیر خواهد کشید. جنگ دو دنیا با این قاتلان بهترین فرزندان مردم ایران هم که به صلح و آشتی کشد، جنگ ما با آنان را نه پایانی است و نه حتی آتش بسی! ننگ تنش زدائی با جلا د همانا ارزانی آن "طایفه سمحه و سهله" باد!

بیژن نیابتی، ۱۸ فروردین [حمل] ۱۳۹۴